



گفت و گو



آقای خاتمی دارای شخصیت جهانی و ملی معتبری است و در طول این چهار سال در معرفی یک چهره زیبا از ایران، به‌رغم تبلیغات شدید رسانه‌های صهیونیستی علیه ایران به‌ویژه در درون جامعه آمریکا، بسیار موفق بوده‌اند.

فاصله گریب فیرقابل تحقق است. هیچ جای دنیا را سراغ نداری که احزاب و جناح‌های سیاسی به شکل واقعی وجود داشته باشد و تعارضات سیاسی در کار نباشد.

جنگ دو حزب جمهوری خواه و دمکرات در آمریکا گاه به اضعاف و تشنج‌های سیاسی عظیم کشیده می‌شود. در جامعه از نظر سیاسی متکثر نشنای سیاسی هم لاجرم خواهد بود و همه چیز را نمی‌توان ماکول به استقرار صلح و صفای کامل یا استقرار نانگ‌آباد کرد.

پیروزی مجدد آقای خاتمی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

آقای خاتمی دارای شخصیت جهانی و ملی معتبری است و در طول این چهار سال در معرفی یک چهره زیبا از ایران، به‌رغم تبلیغات شدید رسانه‌های صهیونیستی علیه ایران به‌ویژه در درون جامعه آمریکا، بسیار موفق بوده‌اند. اعتبار ایشان به عنوان یکی شخصیت ملی و محبوب می‌تواند نقش مهمی در تقویت انسجام ملی داشته باشد و ظرفیت‌های بالقوه فراوانی را باقی‌مانده کند. ولی در هر حال عمل، اگر آقای خاتمی توانا اصلاحات را تئوریزه و مدون کند، آن را وارد مرحله عمل نماید مدون کند و پاسخگوی نیازهای این مرحله حساس از رشد اجتماعی ما باشد، دوره دوم ریاست جمهوری ایشان می‌تواند پایان فاجعه‌آمیز داشته باشد.

آزوری قلمی من این است که آقای خاتمی بتواند با بهره‌گیری از حداکثر ظرفیت‌های دانش و کارشناسی جامعه ما در پایان این دوره مسریله، چنانکه شایسته ایشان است، از کوران این آزمون بزرگ تاریخی خارج شود.

پیشنهاد شما چیست؟

استفاده گسترده از تمامی پتانسیل کارشناسی کشور در تمامی عرصه‌ها باید به طور جدی مورد توجه قرار گیرد و چهره‌های جدید کشف و پرورش داده شود. به عبارت دیگر، اصل سیلیت نخبگان پذیرفته و عملی شود. در غیر این صورت اصلاحات ناقص‌مغز و باوری توانا خواهد ماند و در مرحله شعار و موج سیاسی درجا خواهد زد. گرایش‌های ناپوشین باید به طور جدی مورد توجه راه برای بهره‌گیری از نخبگانی که در هر حال به معنای قدرت تعلق ندارند گوشه‌نشین مهم‌ترین نهادی که می‌تواند در این زمینه مؤثر باشد. شورای مشاوران ریاست جمهوری است. این نهاد نباید به عنوان یک تزیینات فکری عمل کند. هر مشاور باید سرپرستی گروهی از نخبگان و کارشناسان را به دست داشته باشد.

این کار سنگین نیازمند صرف وقت و نیروی فراوان است و بنابراین از نباید درگیر مسوولیت‌ها و مشاغل اجرایی معمول باشد. به عبارت دیگر، به این مسوولیت مهم نباید به عنوان یکی از مشاغل اختیاری و حاشیه‌ای برای کسانی نگریسته شود که ده‌ها مشغله دیگر دارند.

اگر این نهاد جایگاه واقعی خود را بپایند فلغاً سراسر از فکر و برنامه و پیشنهادها است. این نهاد نباید به عنوان یک تزیینات فکری باشد. این نهاد باید به عنوان یک تزیینات فکری باشد. این نهاد باید به عنوان یک تزیینات فکری باشد.

امواج سیاسی موتور انقلاب است نه اصلاحات. انقلاب تخریب نظم موجود است و اصلاحات نوسازی و بهسازی آن. برای انجام اصلاحات نمی‌توان بر امواج سیاسی تکیه زد. موتور اصلاحات نه سخنرانی و میتینگ را رهیمایی بلکه دانش و اندیشه نخبگان جامعه است.

با یاسی از آن وقت موزک را ما دایم.

کشته که گویا آنها نماینده و سخنگوی گروه اجتماعی معینی هستند که بورژوازی سنتی یا بیازار است.

بررسی و نقد دیدگاه‌های گروه فوق مساله دیگری است ولی آنها را فلغاً نمی‌توان نماینده و سخنگوی گروه اجتماعی همومی به نام بورژوازی سنتی، خواند. اگر بیشتر به این تقسیم‌بندی توجه کنیم متوجه یک خطای بیش می‌شویم که می‌تواند بخشی از روشنفکران ما را در جبهه مشترک با یک جریان سیاسی و اجتماعی انگل و مغرب قرار دهد. درمی‌یابیم که در واقع منظور از بورژوازی جدید در تحلیل فوق بورژوازی بوروکراتیک است؛ یعنی گروه اجتماعی نوکیسه و جدیدی که در دو دهه اخیر به ثروت رسیده و طبقه جدید را شکل داده، سرمایه خود را در تجارت خارجی و دولتی کالاهای جهانی و مشاغل دارای سدهای سریع و کلان مانند معاملات زمین به کار انداخته و از نظر بیش سیاسی نیز تعلقی به فرهنگ بومی ایران ندارد.

آیا واقعاً این گروه اجتماعی را می‌توان مهم‌ترین و ثروتمندترین بخش این بورژوازی به تجارت و دولتی کالاهای خارجی اشتغال دارد، آیا تمامی این طبقه

۱۳۲۳ تر رسید. یک نمونه دیگر گشایش بی سابقه بازار ایران به روی صنایع جهانی اتمیول سازی و رشد فوق‌العاده تجارت این کالا در ایران از اوایل دهه ۱۳۷۰ بود.

این فرایند درست در زمانی آغاز شد که صنایع اتمیول سازی غرب با بزرگ‌ترین بحران خود در دهه‌های پس از جنگ دوم جهانی مواجه بود. اینجانب در همان اوایل شروع این سیاست با انتشار تحلیل مفصلی (مطالعات سیاسی، کتاب دوم، ۱۳۷۲) نسبت به پیامدهای آن هشدار دادم. و علاوه بر پیامدهای سوء فرهنگی و اخلاقی، از جمله رشد مدعش دولتی، این سیاست‌گذاری واردات سالانه حدود ۳۰۰ میلیون دلار برتین به ایران را نیز در پی داشت به اضافه هزینه‌های سنگینی که برای حل معضل ترفیک و گشاد کردن خیابان‌ها و احداث بزرگراه‌ها بر جامعه تحمیل کرد.

مجموعه این تحولات طبعاً گسترش فساد مالی و انحطاط فرهنگی و دگرگونی ارزشی را دربرداشت و به تازهای شایسته طبقات کمتر بهره‌مند و نهیدست انجامید.

افتاد و تکاپوی لجام گسخته این طبقه

از بهترین این اقشار نخبه است جدید باید به کارمندان و پروژه گروه‌های شاغل در حرفه‌های فکری (مانند معلمان) اشاره کرد. انبساط و نوم شدید حجم دستگاه دیوانسالاری کشور تعداد حقوق‌بگیران مستقیم و غیرمستقیم نظام را افزایش چشمگیر داد و این گروه، که به همراه اعضای خانواده‌شان بخش مهمی از اعضای جامعه ایران را در بر می‌گیرد، سخت‌ترین فشارهای مالی را تحمل شد. بخش قابل اعتدایی از کارمندان دارای تحصیلات دانشگاهی هستند و بنابراین تازهای متغیر ایشان و اعضای خانواده‌شان عوارض سیاسی و فرهنگی جدی نیز به دنبال دارد. در مقابل این تحول در بدنه جامعه، که از یک سو به اشتهاء فرهنگ مصرف و دولتی انجامید و از سوی دیگر به رانده شدن بخشهای کثیری از جامعه به صفوف طبقات نخبه‌ست، نوع جدیدی از تراکم ثروت، در بخشهای در جامعه شکل گرفت و ظهور طبقات جدیدی از کلان ثروتمندان را بسبب شد.

بورژوازی را معمولاً یک طبقه اجتماعی جدید می‌دانند یعنی طبقه‌ای که در جریان تکوین تمدن جدید غرب به تدریج شکل گرفت و در جریان انقلاب صنعتی سده نوزدهم گسترش یافت. از این زاویه، بورژوازی یک طبقه جدید است و تقسیم مدرن بی معناست.



گسترده بورژوازی تجاری ما «بورژوازی سنتی» است؟ یا آن بخش که تنها به تجارت کالاهای داخلی اشتغال دارد. و در گذشته در واکنز روشنفکری ما عنوان بورژوازی ملی مدافع استقلال ملی شناخته می‌شد. املاک بورژوازی سنتی و مرتجع شده بورژوازی تجاری فرش - که مهم‌ترین کالای بی‌سود است - در مقوله بورژوازی سنتی ایامی می‌ماند و پایگاه اجتماعی گروه‌های سیاسی سنتی گرا به شمار می‌روند؛ یا آن بخش از بورژوازی تجاری که به تجارت کالاهای وارداتی اشتغال دارد، مثلاً نماینده کمپانی‌های اتمیول سازی می‌شود. این گروه به عنوان بورژوازی امپریالیست شناخته می‌شد مدرن و مترقی است؟ آیا منظور از بورژوازی سنتی آن تجاری است که در محدوده مکانی بازارهای قدیمی تهران و سایر شهرهای بزرگ ایران تجارت می‌کند و بقیه که مثلاً در جردن و میراماد دفتر دارند بورژوازی مدرن‌اند؟ این تقسیم‌بندی مکانی نیز کاملاً بی معنی است زیرا امروزه بازار تهران در واقع ابهامی گستره تمامی شهرهای یافته است و بسیاری از تجار بزرگ و قدیمی بازار در خیابان‌های اصلی شمال دفتر و شرکت دارند و عموماً به تجارت به اصطلاح مدرن مشغول‌اند. از تاجر آن تا واردکننده تجهیزات و شکر و قهوه.

بنابراین به نظر می‌رسد که این تقسیم‌بندی تنها یک شعار سیاسی و تبلیغی است علیه یک گروه سیاسی معین که دارای نگرش فکری معینی است. و منظور از آن نیز بیشتر حیات‌های مؤلفه است که بعضی از چهره‌های سرشناس آن بازار می‌بودند. چون این افراد نگاه خاصی به تحولات سیاسی و فرهنگی دارند، در بخشی از روشنفکران براساس رسوایان همان نگاه مطلق گرایانه طبقاتی و شبه مارکسیستی، این نوع ایجاد

گسترده بورژوازی تجاری ما «بورژوازی سنتی» است؟ یا آن بخش که تنها به تجارت کالاهای داخلی اشتغال دارد. و در گذشته در واکنز روشنفکری ما عنوان بورژوازی ملی مدافع استقلال ملی شناخته می‌شد. املاک بورژوازی سنتی و مرتجع شده بورژوازی تجاری فرش - که مهم‌ترین کالای بی‌سود است - در مقوله بورژوازی سنتی ایامی می‌ماند و پایگاه اجتماعی گروه‌های سیاسی سنتی گرا به شمار می‌روند؛ یا آن بخش از بورژوازی تجاری که به تجارت کالاهای وارداتی اشتغال دارد، مثلاً نماینده کمپانی‌های اتمیول سازی می‌شود. این گروه به عنوان بورژوازی امپریالیست شناخته می‌شد مدرن و مترقی است؟ آیا منظور از بورژوازی سنتی آن تجاری است که در محدوده مکانی بازارهای قدیمی تهران و سایر شهرهای بزرگ ایران تجارت می‌کند و بقیه که مثلاً در جردن و میراماد دفتر دارند بورژوازی مدرن‌اند؟ این تقسیم‌بندی مکانی نیز کاملاً بی معنی است زیرا امروزه بازار تهران در واقع ابهامی گستره تمامی شهرهای یافته است و بسیاری از تجار بزرگ و قدیمی بازار در خیابان‌های اصلی شمال دفتر و شرکت دارند و عموماً به تجارت به اصطلاح مدرن مشغول‌اند. از تاجر آن تا واردکننده تجهیزات و شکر و قهوه.

بنابراین به نظر می‌رسد که این تقسیم‌بندی تنها یک شعار سیاسی و تبلیغی است علیه یک گروه سیاسی معین که دارای نگرش فکری معینی است. و منظور از آن نیز بیشتر حیات‌های مؤلفه است که بعضی از چهره‌های سرشناس آن بازار می‌بودند. چون این افراد نگاه خاصی به تحولات سیاسی و فرهنگی دارند، در بخشی از روشنفکران براساس رسوایان همان نگاه مطلق گرایانه طبقاتی و شبه مارکسیستی، این نوع ایجاد

گسترده بورژوازی تجاری ما «بورژوازی سنتی» است؟ یا آن بخش که تنها به تجارت کالاهای داخلی اشتغال دارد. و در گذشته در واکنز روشنفکری ما عنوان بورژوازی ملی مدافع استقلال ملی شناخته می‌شد. املاک بورژوازی سنتی و مرتجع شده بورژوازی تجاری فرش - که مهم‌ترین کالای بی‌سود است - در مقوله بورژوازی سنتی ایامی می‌ماند و پایگاه اجتماعی گروه‌های سیاسی سنتی گرا به شمار می‌روند؛ یا آن بخش از بورژوازی تجاری که به تجارت کالاهای وارداتی اشتغال دارد، مثلاً نماینده کمپانی‌های اتمیول سازی می‌شود. این گروه به عنوان بورژوازی امپریالیست شناخته می‌شد مدرن و مترقی است؟ آیا منظور از بورژوازی سنتی آن تجاری است که در محدوده مکانی بازارهای قدیمی تهران و سایر شهرهای بزرگ ایران تجارت می‌کند و بقیه که مثلاً در جردن و میراماد دفتر دارند بورژوازی مدرن‌اند؟ این تقسیم‌بندی مکانی نیز کاملاً بی معنی است زیرا امروزه بازار تهران در واقع ابهامی گستره تمامی شهرهای یافته است و بسیاری از تجار بزرگ و قدیمی بازار در خیابان‌های اصلی شمال دفتر و شرکت دارند و عموماً به تجارت به اصطلاح مدرن مشغول‌اند. از تاجر آن تا واردکننده تجهیزات و شکر و قهوه.

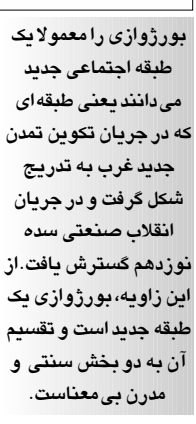


گسترده بورژوازی تجاری ما «بورژوازی سنتی» است؟ یا آن بخش که تنها به تجارت کالاهای داخلی اشتغال دارد. و در گذشته در واکنز روشنفکری ما عنوان بورژوازی ملی مدافع استقلال ملی شناخته می‌شد. املاک بورژوازی سنتی و مرتجع شده بورژوازی تجاری فرش - که مهم‌ترین کالای بی‌سود است - در مقوله بورژوازی سنتی ایامی می‌ماند و پایگاه اجتماعی گروه‌های سیاسی سنتی گرا به شمار می‌روند؛ یا آن بخش از بورژوازی تجاری که به تجارت کالاهای وارداتی اشتغال دارد، مثلاً نماینده کمپانی‌های اتمیول سازی می‌شود. این گروه به عنوان بورژوازی امپریالیست شناخته می‌شد مدرن و مترقی است؟ آیا منظور از بورژوازی سنتی آن تجاری است که در محدوده مکانی بازارهای قدیمی تهران و سایر شهرهای بزرگ ایران تجارت می‌کند و بقیه که مثلاً در جردن و میراماد دفتر دارند بورژوازی مدرن‌اند؟ این تقسیم‌بندی مکانی نیز کاملاً بی معنی است زیرا امروزه بازار تهران در واقع ابهامی گستره تمامی شهرهای یافته است و بسیاری از تجار بزرگ و قدیمی بازار در خیابان‌های اصلی شمال دفتر و شرکت دارند و عموماً به تجارت به اصطلاح مدرن مشغول‌اند. از تاجر آن تا واردکننده تجهیزات و شکر و قهوه.

بنابراین به نظر می‌رسد که این تقسیم‌بندی تنها یک شعار سیاسی و تبلیغی است علیه یک گروه سیاسی معین که دارای نگرش فکری معینی است. و منظور از آن نیز بیشتر حیات‌های مؤلفه است که بعضی از چهره‌های سرشناس آن بازار می‌بودند. چون این افراد نگاه خاصی به تحولات سیاسی و فرهنگی دارند، در بخشی از روشنفکران براساس رسوایان همان نگاه مطلق گرایانه طبقاتی و شبه مارکسیستی، این نوع ایجاد

گسترده بورژوازی تجاری ما «بورژوازی سنتی» است؟ یا آن بخش که تنها به تجارت کالاهای داخلی اشتغال دارد. و در گذشته در واکنز روشنفکری ما عنوان بورژوازی ملی مدافع استقلال ملی شناخته می‌شد. املاک بورژوازی سنتی و مرتجع شده بورژوازی تجاری فرش - که مهم‌ترین کالای بی‌سود است - در مقوله بورژوازی سنتی ایامی می‌ماند و پایگاه اجتماعی گروه‌های سیاسی سنتی گرا به شمار می‌روند؛ یا آن بخش از بورژوازی تجاری که به تجارت کالاهای وارداتی اشتغال دارد، مثلاً نماینده کمپانی‌های اتمیول سازی می‌شود. این گروه به عنوان بورژوازی امپریالیست شناخته می‌شد مدرن و مترقی است؟ آیا منظور از بورژوازی سنتی آن تجاری است که در محدوده مکانی بازارهای قدیمی تهران و سایر شهرهای بزرگ ایران تجارت می‌کند و بقیه که مثلاً در جردن و میراماد دفتر دارند بورژوازی مدرن‌اند؟ این تقسیم‌بندی مکانی نیز کاملاً بی معنی است زیرا امروزه بازار تهران در واقع ابهامی گستره تمامی شهرهای یافته است و بسیاری از تجار بزرگ و قدیمی بازار در خیابان‌های اصلی شمال دفتر و شرکت دارند و عموماً به تجارت به اصطلاح مدرن مشغول‌اند. از تاجر آن تا واردکننده تجهیزات و شکر و قهوه.

بورژوازی را معمولاً یک طبقه اجتماعی جدید می‌دانند یعنی طبقه‌ای که در جریان تکوین تمدن جدید غرب به تدریج شکل گرفت و در جریان انقلاب صنعتی سده نوزدهم گسترش یافت. از این زاویه، بورژوازی یک طبقه جدید است و تقسیم مدرن بی معناست.



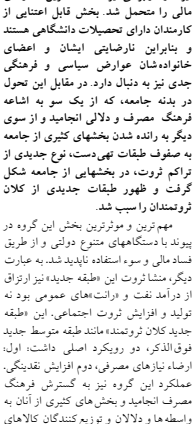
گسترده بورژوازی تجاری ما «بورژوازی سنتی» است؟ یا آن بخش که تنها به تجارت کالاهای داخلی اشتغال دارد. و در گذشته در واکنز روشنفکری ما عنوان بورژوازی ملی مدافع استقلال ملی شناخته می‌شد. املاک بورژوازی سنتی و مرتجع شده بورژوازی تجاری فرش - که مهم‌ترین کالای بی‌سود است - در مقوله بورژوازی سنتی ایامی می‌ماند و پایگاه اجتماعی گروه‌های سیاسی سنتی گرا به شمار می‌روند؛ یا آن بخش از بورژوازی تجاری که به تجارت کالاهای وارداتی اشتغال دارد، مثلاً نماینده کمپانی‌های اتمیول سازی می‌شود. این گروه به عنوان بورژوازی امپریالیست شناخته می‌شد مدرن و مترقی است؟ آیا منظور از بورژوازی سنتی آن تجاری است که در محدوده مکانی بازارهای قدیمی تهران و سایر شهرهای بزرگ ایران تجارت می‌کند و بقیه که مثلاً در جردن و میراماد دفتر دارند بورژوازی مدرن‌اند؟ این تقسیم‌بندی مکانی نیز کاملاً بی معنی است زیرا امروزه بازار تهران در واقع ابهامی گستره تمامی شهرهای یافته است و بسیاری از تجار بزرگ و قدیمی بازار در خیابان‌های اصلی شمال دفتر و شرکت دارند و عموماً به تجارت به اصطلاح مدرن مشغول‌اند. از تاجر آن تا واردکننده تجهیزات و شکر و قهوه.

بنابراین به نظر می‌رسد که این تقسیم‌بندی تنها یک شعار سیاسی و تبلیغی است علیه یک گروه سیاسی معین که دارای نگرش فکری معینی است. و منظور از آن نیز بیشتر حیات‌های مؤلفه است که بعضی از چهره‌های سرشناس آن بازار می‌بودند. چون این افراد نگاه خاصی به تحولات سیاسی و فرهنگی دارند، در بخشی از روشنفکران براساس رسوایان همان نگاه مطلق گرایانه طبقاتی و شبه مارکسیستی، این نوع ایجاد

گسترده بورژوازی تجاری ما «بورژوازی سنتی» است؟ یا آن بخش که تنها به تجارت کالاهای داخلی اشتغال دارد. و در گذشته در واکنز روشنفکری ما عنوان بورژوازی ملی مدافع استقلال ملی شناخته می‌شد. املاک بورژوازی سنتی و مرتجع شده بورژوازی تجاری فرش - که مهم‌ترین کالای بی‌سود است - در مقوله بورژوازی سنتی ایامی می‌ماند و پایگاه اجتماعی گروه‌های سیاسی سنتی گرا به شمار می‌روند؛ یا آن بخش از بورژوازی تجاری که به تجارت کالاهای وارداتی اشتغال دارد، مثلاً نماینده کمپانی‌های اتمیول سازی می‌شود. این گروه به عنوان بورژوازی امپریالیست شناخته می‌شد مدرن و مترقی است؟ آیا منظور از بورژوازی سنتی آن تجاری است که در محدوده مکانی بازارهای قدیمی تهران و سایر شهرهای بزرگ ایران تجارت می‌کند و بقیه که مثلاً در جردن و میراماد دفتر دارند بورژوازی مدرن‌اند؟ این تقسیم‌بندی مکانی نیز کاملاً بی معنی است زیرا امروزه بازار تهران در واقع ابهامی گستره تمامی شهرهای یافته است و بسیاری از تجار بزرگ و قدیمی بازار در خیابان‌های اصلی شمال دفتر و شرکت دارند و عموماً به تجارت به اصطلاح مدرن مشغول‌اند. از تاجر آن تا واردکننده تجهیزات و شکر و قهوه.

گسترده بورژوازی تجاری ما «بورژوازی سنتی» است؟ یا آن بخش که تنها به تجارت کالاهای داخلی اشتغال دارد. و در گذشته در واکنز روشنفکری ما عنوان بورژوازی ملی مدافع استقلال ملی شناخته می‌شد. املاک بورژوازی سنتی و مرتجع شده بورژوازی تجاری فرش - که مهم‌ترین کالای بی‌سود است - در مقوله بورژوازی سنتی ایامی می‌ماند و پایگاه اجتماعی گروه‌های سیاسی سنتی گرا به شمار می‌روند؛ یا آن بخش از بورژوازی تجاری که به تجارت کالاهای وارداتی اشتغال دارد، مثلاً نماینده کمپانی‌های اتمیول سازی می‌شود. این گروه به عنوان بورژوازی امپریالیست شناخته می‌شد مدرن و مترقی است؟ آیا منظور از بورژوازی سنتی آن تجاری است که در محدوده مکانی بازارهای قدیمی تهران و سایر شهرهای بزرگ ایران تجارت می‌کند و بقیه که مثلاً در جردن و میراماد دفتر دارند بورژوازی مدرن‌اند؟ این تقسیم‌بندی مکانی نیز کاملاً بی معنی است زیرا امروزه بازار تهران در واقع ابهامی گستره تمامی شهرهای یافته است و بسیاری از تجار بزرگ و قدیمی بازار در خیابان‌های اصلی شمال دفتر و شرکت دارند و عموماً به تجارت به اصطلاح مدرن مشغول‌اند. از تاجر آن تا واردکننده تجهیزات و شکر و قهوه.

بورژوازی را معمولاً یک طبقه اجتماعی جدید می‌دانند یعنی طبقه‌ای که در جریان تکوین تمدن جدید غرب به تدریج شکل گرفت و در جریان انقلاب صنعتی سده نوزدهم گسترش یافت. از این زاویه، بورژوازی یک طبقه جدید است و تقسیم مدرن بی معناست.



گسترده بورژوازی تجاری ما «بورژوازی سنتی» است؟ یا آن بخش که تنها به تجارت کالاهای داخلی اشتغال دارد. و در گذشته در واکنز روشنفکری ما عنوان بورژوازی ملی مدافع استقلال ملی شناخته می‌شد. املاک بورژوازی سنتی و مرتجع شده بورژوازی تجاری فرش - که مهم‌ترین کالای بی‌سود است - در مقوله بورژوازی سنتی ایامی می‌ماند و پایگاه اجتماعی گروه‌های سیاسی سنتی گرا به شمار می‌روند؛ یا آن بخش از بورژوازی تجاری که به تجارت کالاهای وارداتی اشتغال دارد، مثلاً نماینده کمپانی‌های اتمیول سازی می‌شود. این گروه به عنوان بورژوازی امپریالیست شناخته می‌شد مدرن و مترقی است؟ آیا منظور از بورژوازی سنتی آن تجاری است که در محدوده مکانی بازارهای قدیمی تهران و سایر شهرهای بزرگ ایران تجارت می‌کند و بقیه که مثلاً در جردن و میراماد دفتر دارند بورژوازی مدرن‌اند؟ این تقسیم‌بندی مکانی نیز کاملاً بی معنی است زیرا امروزه بازار تهران در واقع ابهامی گستره تمامی شهرهای یافته است و بسیاری از تجار بزرگ و قدیمی بازار در خیابان‌های اصلی شمال دفتر و شرکت دارند و عموماً به تجارت به اصطلاح مدرن مشغول‌اند. از تاجر آن تا واردکننده تجهیزات و شکر و قهوه.

بنابراین به نظر می‌رسد که این تقسیم‌بندی تنها یک شعار سیاسی و تبلیغی است علیه یک گروه سیاسی معین که دارای نگرش فکری معینی است. و منظور از آن نیز بیشتر حیات‌های مؤلفه است که بعضی از چهره‌های سرشناس آن بازار می‌بودند. چون این افراد نگاه خاصی به تحولات سیاسی و فرهنگی دارند، در بخشی از روشنفکران براساس رسوایان همان نگاه مطلق گرایانه طبقاتی و شبه مارکسیستی، این نوع ایجاد

گسترده بورژوازی تجاری ما «بورژوازی سنتی» است؟ یا آن بخش که تنها به تجارت کالاهای داخلی اشتغال دارد. و در گذشته در واکنز روشنفکری ما عنوان بورژوازی ملی مدافع استقلال ملی شناخته می‌شد. املاک بورژوازی سنتی و مرتجع شده بورژوازی تجاری فرش - که مهم‌ترین کالای بی‌سود است - در مقوله بورژوازی سنتی ایامی می‌ماند و پایگاه اجتماعی گروه‌های سیاسی سنتی گرا به شمار می‌روند؛ یا آن بخش از بورژوازی تجاری که به تجارت کالاهای وارداتی اشتغال دارد، مثلاً نماینده کمپانی‌های اتمیول سازی می‌شود. این گروه به عنوان بورژوازی امپریالیست شناخته می‌شد مدرن و مترقی است؟ آیا منظور از بورژوازی سنتی آن تجاری است که در محدوده مکانی بازارهای قدیمی تهران و سایر شهرهای بزرگ ایران تجارت می‌کند و بقیه که مثلاً در جردن و میراماد دفتر دارند بورژوازی مدرن‌اند؟ این تقسیم‌بندی مکانی نیز کاملاً بی معنی است زیرا امروزه بازار تهران در واقع ابهامی گستره تمامی شهرهای یافته است و بسیاری از تجار بزرگ و قدیمی بازار در خیابان‌های اصلی شمال دفتر و شرکت دارند و عموماً به تجارت به اصطلاح مدرن مشغول‌اند. از تاجر آن تا واردکننده تجهیزات و شکر و قهوه.